

شرق روزنامه

نگاه

خنده‌های نتانیا‌هو و پیش‌بینی ادوارد سعید

دالیا سعودی

نخست‌وزیر اسرائیل خنده‌های مشم‌زکننده‌اش را سر می‌دهد. ساکن جدید کاخ سفید از تعهدداشتن خود نسبت به راه‌حل دو دولت می‌گوید و با تریک به او، می‌افزاید طرفدار هرگونه راه‌حلی است که «بی‌بی دوست ما با فلسطینی‌ها» به آن دست یابند. راه‌حلی که پیشاپیش آن باید یهودی‌بودن اسرائیل به رسمیت شناخته شود. دونالد ترامپ این نکته را به صورت اشاره گفت و با عبارتی مبهم از راه‌حلی صحبت به میان آورد که «منطقه‌ای» باشد؛ یعنی دولت‌های عرب در آن حضور داشته باشند.

«خنده‌های زیاد، حرف‌های بسیار و چهل و تناقضات افزون‌تر از او»، روزنامه هآرتص چاپ اسرائیل، دیدار دو متحد را این‌گونه توصیف کرد. بی‌بی، مثل یک روباہ عمل می‌کرد و می‌گوشتید خود را به صورت بره‌ای نشان دهد. می‌گفت: «رئیس‌جمهور ترامپ بزرگ‌ترین حامی ملت یهود و دولت یهودی است». در طرف مقابل نیز ترامپ فراموش نمی‌کرد در اوج چهل و تناقض و به‌هم‌ریختگی فکری و اداری، ملت فلسطین را نصیحت کند که بهتر است دست از نفرت بردارند. نتانیا‌هو این روزها کاملاً احساس خوشبختی و سعادت می‌کند. کنارگذاشتن راحل دو دولت، یک وعده انتخاباتی بود که توانست به‌وسیله آن آرای راست افراطی را به نفع خود گرد آورد. او که این چند روز در صفحات توئیتر فعال‌تر شده است، بعد از دیدار در کاخ سفید یامی را در توئیتر با این محتوا گذاشت که گویی دولت‌های عرب دیگر اسرائیل را نه به‌عنوان دشمن بلکه یک متحد می‌بینند. این هم‌زمان بود با رفتن سفیر اسرائیل از مصر، به‌عنوان یک ابزار فشار و اظهارات یک وزیر اسرائیلی درباره اسکان شهروندان فلسطینی در صحرای سینا، به‌عنوان ابزاری برای چانه‌زنی. پیش از آن هم سامح شکری، وزیر خارجه مصر، با یک مشاور اسرائیلی درباره دو جزیره تیران و صنایر گفت‌وگو کرده بود.

همه اینها را باید در کنار تلاش‌هایی گذاشت که این روزها برای قانونی‌کردن اراضی فلسطینی اشغال شده و اخراج ساکنانش صورت می‌گیرد. مثل قانون منع اذان که هفته پیش تصویب شد، یا قانون مشروعیت سرق‌ت اراضی فلسطینی‌ها. قانونی‌بودن شهرک‌های ساخته‌شده در کرانه باختری و اشغال روزافزون محط مسجداالقصبی به صورت روزانه از سوی شهرک‌نشینان و تداوم سرکوب شهروندان و شکنجه اسرای فلسطینی و ویران‌کردن خانه‌هایشان و مصادره اموال‌شان و …

این تصویر کامل‌تری است از آنچه نخست‌وزیر اسرائیل می‌گوید و معتقد است اعراب دیگر اسرائیل را دشمن نمی‌دانند بلکه به صورت یک متحد می‌نگرند. مفاد این حرف‌ها آن است که بین آمریکا و اسرائیل یک هماهنگی کامل وجود دارد و رهبران عرب نیز باید طبق اقتضاهای روز عمل کنند؛ یعنی طبق همان فرمول قدیمی آمریکایی‌ها بدانند که هرکه با ما نیست علیه ماست!

درحالی که تصاویر مربوط به دیدار نتانیا‌هو و ترامپ را مشاهده می‌کردم، یاد حرف‌های ادوارد سعید افتادم که گویی از ورای خاک و زمان و قبر به سراغم می‌آمد. او کسی بود که بیش از همه به توافق‌نامه اسلو و پیامدهای سوء آن هشدار می‌داد. سعید یکی از سرسخت‌ترین مخالفان این گفتمان صهیونیستی – آمریکایی بود. از این ابایی نداشت که خلل‌های پنهان در دولت خودگردان را گوشزد کند؛ خلل‌هایی که همه از قدرت‌طلبی، سرکوب و فساد نشئت می‌گرفت. او یکی از برجسته‌ترین منتقدان دیکتاتوری یاسر عرفات بود و حرف‌هایی از این قبیل را قبول نداشت که: «جز او بدیلی وجود ندارد». اطرافیان عرفات را به صورت یک باند مافیایی می‌دید که افراد دارای شایستگی، ذکاوت و درستکار را از دایره خود می‌راند. او چنین افرادی را مزدوران سیا و موساد می‌دانست یا فرصت‌طلبانی که قصد دارند به اسم ملت فلسطین خود به آب و نانی برسند. اما نقش مهم‌تر ادوارد سعید در تأییدی بود که او بر نقش روشن‌فکر در مواجهه با قدرت در این زمان‌های سراسر شکست داشت. او می‌گفت: «اهمیت نقشی که نقد و تذکر نسبت به نواقص در دوران فساد یک نظام فراطنی و حقوقی متکامل بازی می‌کند، دوجندان می‌شود. این مسئله فقط محدود به کرانه باختری و غزه نمی‌شود بلکه در هر جایی از جهان عرب قابل انطباق است. نقد سطح آگاهی را بالا می‌برد و پیوند رهبران و ملت‌ها را مستحکم می‌کند. کمابینکه نقد یک وظیفه اخلاقی است. سکوت‌کردن یا بی‌توجهی یا حرف‌شنوی از یک قدرت ستمگر، همه ناشی از فقدان یک حس اخلاقی است.»

♦♦♦

تنها اندکی از یک نقد درونی کافی بود تا به درجه‌ای از صداقت با خود می‌رسیدیم و جلوی بسیاری از شکست‌های عربی را بعد از اسلو یا پیش از آن می‌گرفتیم. کسانی که آن روز برای امضای توافق اسلو رفتند، می‌دانستند این یک بازی یا یک نمایش بیشتر نیست، وگرنه صحبت‌کردن از هرکدام از مشکلات اصلی در آن زمان نیز غیرممکن بود: قدس، شهرک‌نشینان، آوارگان و مرزها. آنها به این دلخوش بودند که اسرائیل آنها را به این وسیله به رسمیت شناخته است. آنها خودشان دچار خودکم‌بینی بودند و به قدرت طمع بسته بودند. آنها ضعیف‌تر از این بودند که پرچم مطالبات عادلانه‌شان را بر دوش کشیده و قضیه‌شان را به پیش ببرند. امروز نخست‌وزیر اسرائیل به همان‌ها می‌خندد.

♦♦♦

ادوارد سعید می‌نویسد: «نخستین گام برای آزادی سرزمین‌های اشغالی، این است که به لحاظ فکری بپذیریم آنها آزاد خواهند شد؛ اما دست‌یافتن به یک هدف، نیازمند آمدادی واقعی و استعدادی حقیقی است. حال آنکه حرکت در راهی که اکنون وجود دارد، آن هم پشت سر رهبران کنونی، به نتیجه‌ای جز آنچه تا حالا رسیده‌ایم منجر نخواهد شد؛ یعنی: توهم، خسارت و فساد». اینها حرف‌هایی است که دولت خودگردان و دولت‌های عربی ناشنیده گرفتند؛ اما ملت فلسطین هر روز اثبات کرده نسبت به وظایف خود آگاه بوده و همچنان حاضر به فداکاری است.

منبع: الشروق

یادداشت

پوتین؛ در مقام ثروتمندترین فرد جهان

اگر نظر کارشناسانی که معتقدند رئیس‌جمهور روسیه صاحب شبکه‌ای مالی به ارزش ۲۰۰ میلیارد دلار است، درست باشد، پس ولادیمیر پوتین را می‌توان پولدارترین فرد جهان لقب داد. به گزارش دبلی‌میل، این در حالی است که براساس آمار مجله فوربس، پولدارترین مرد واقعی فعلی جهان بیل گیتس، رئیس مایکروسافت، با سرمایه‌ای به ارزش ۷۵ میلیارد دلار است. ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه در حضور دوده‌های خود در قدرت، گمانه‌زنی‌های بسیاری را درباره میزان ثروتش برانگیخته است. گفته می‌شود این مأمور سابق «کاکب» (سرویس مخفی شوروی) دارایی‌ها، املاک و شرکت‌های هلدینگ شخصی متعددی دارد. یکی از مهم‌ترین گمانه‌زنی‌هایی که درباره حجم ثروت این سیاست‌مدار ۶۴ساله مطرح می‌شود، متعلق به اساناسلاو بلگفسکی، تحلیلگر سیاسی، است که در سال ۲۰۰۷ برآورد کرد ثروت پوتین ۴۰ میلیارد دلار است، اما بیل برودل، نویسنده و فعال اقتصادی در روسیه، گفته است که مرد اول کرملین سرمایه‌ای به ارزش ۲۰۰ میلیارد دلار در اختیار دارد. درحالی‌که هفته گذشته باز هم سؤال‌هایی درباره میزان ثروت پوتین مطرح شد، بار دیگر ادعاهای برودل در رسانه‌ها گسترش پیدا کرد که طی آن در سال ۲۰۱۵ مدعی شده بود حضور سال‌های متمادی پوتین در قدرت باعث آن شده تا او بتواند به این حجم



ثروت دست پیدا کند. او در گفت‌وگو با فرید ذکریا دراین‌باره گفته بود: به اعتقاد من ثروت پوتین ۲۰۰ میلیارد دلار است. پس از آن سال حضور در قدرت با توجه به حجم پولی که در روسیه تولید شده، اما در مدارس، جاده‌ها، بیمارستان‌ها و… هزینه نمی‌شود. تمام این پول‌ها اکنون به شکل حساب‌های بانکی، سهام و… به دست پوتین و حلقه نزدیکان او افتاده است. گفته می‌شود یکی از نشانه‌های شناخته‌شده ثروت پوتین قایق بزرگ ۳۵ میلیون‌دلاری‌اش با نام المپیا است. درهمین‌حال صاحب باشگاه فوتبال چلسی ادعا می‌کند که این قایق را پس از اینکه پوتین به ریاست‌جمهوری روسیه رسید، به وی اهدا کرده است. به‌طورقطع یکی از چشمگیرترین نشانه‌ها از ثروت پوتین، کاخی در دریای سیاه است که گفته می‌شود یک میلیارد

دلار ارزش دارد. دراین‌میان تاجر روسی به نام سرگنی کولسویکوف می‌گوید این کاخ شخصا برای پوتین ساخته شده، اما هزینه آن از سوی نظام الیگارش‌ی روسیه و از کانال‌های مخفی پرداخت شد. اگر پوتین جدای از اینکه به سرمایه‌های اصلی روسیه دسترسی داشته باشد، در کنار آن با حلقه الیگارش‌ی سرمایه‌دار کشورش در ارتباط باشد، دارایی‌های او واقعا قابل شمارش نخواهد بود. براساس نوشته‌های یکی از رقیبای سیاسی رئیس‌جمهور روسیه، پوتین به ۵۸ هواپیما و هلیکوپتر و کلسونی ۵۰۰ هزار دلاری از ساعت و ۲۰ کاخ و خانه ویلایی دسترسی دارد. در آوریل سال ۲۰۱۵ پوتین درآمد سال ۲۰۱۴ خود را تنها ۱۱۹ هزار دلار اعلام کرد و مدعی شد که تنها صاحب دو آپارتمان و بخشی از سهام یک پارکینگ است.

منبع: اپسنا



گزارشی از وضعیت توسعه انسانی در جهان عرب

شرایطی به مراتب بدتر از بهار عربی

وقتی مساوات نباشد و بین زن و مرد در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی شکاف وجود داشته باشد، این ناراضی‌ها دوچندان می‌شود.

پناه‌بردن به فضای مجازی

جوانان برای فرار از وضعیت اقتصادی پیرامون خود به فضای مجازی پناه می‌برند؛ جایی که آزادی بیان وجود دارد. ازاین‌رو دیده می‌شود جوانان عرب بیش از سایرین در فضای مجازی حضور دارند. به گونه‌ای که شبکه‌های اجتماعی به بخشی اصلی از زندگی روزمره‌شان تبدیل شده است. استفاده از تلفن‌های همراه از ۲۶ درصد در سال ۲۰۰۵ به حدود ۱۰۸ درصد در سال ۲۰۱۵ رسیده است. بالاترین میزان رشد را در سطح جهانی نشان می‌دهد. کمابینکه استفاده از اینترنت از ۸ درصد در سال ۲۰۰۵ به حدود ۳۷ درصد در سال ۲۰۱۵ رسیده است و باز رشد بالایی را نسبت به سایر نقاط جهان نشان می‌دهد. از بین شبکه‌های اینترنتی، کاربران فیس‌بوک به ۶۷ درصد می‌رسد که بیش‌ترشان را جوانان بین ۱۵ تا ۲۹ سال تشکیل می‌دهند. یک مرکز تحقیقاتی می‌گوید در سال ۲۰۱۳ بیش از ۵۰ درصد از جوانانی که به توئیتر دسترسی داشتند، بین ۱۵ تا ۲۴ سال داشتند. همچنین ۴۶ درصد آنها وبلاگ‌ها را مطالعه می‌کردند و ۵۹ درصد خبرها را به صورت مستقیم از شبکه‌های آنلاین می‌گرفتند. این در حالی بود که فقط ۲۴ درصد خبرهایشان را از روزنامه‌ها و مجلات می‌گرفتند. وضعیت اقتصادی دغدغه اصلی جوانان است و برای همین به صورت مستقیم این مسئله را در نظرسنجی‌ها نشان می‌دهند. یک نظرسنجی در ۱۲ کشور عرب صورت گرفت و از جوانان پرسیده شد مهم‌ترین چالش زندگی‌شان چیست؟ آنها وضعیت اقتصادی، فقر و بی‌کاری و افزایش بهای کالاها را بزرگ‌ترین دغدغه خود معرفی کردند؛ این میزان فراتر از ۷۵ درصد پاسخ‌ها را دربر می‌گرفت. حال آنکه فساد اقتصادی در جابگاه دوم با میزان ۱۴ درصد بود و ثبات و امنیت داخلی کشورشان با سه درصد در رتبه سوم قرار داشت. تحکیم دموکراسی برای آنها در رتبه چهارم با دو درصد اهمیت قرار داشت. برای جوانان مصری و تونسی، مهم‌ترین چالش وضعیت اقتصادی با میزان ۸۷ درصد بود. نگرانی اقتصادی در بین جوانان در این دو کشور بیش از سایر کشورهای عرب بود. این امر نشان می‌دهد انقلاب‌های مصر و تونس در درجه اول دلایل مادی و اقتصادی داشته است. وضعیت کنونی بعد از پنج سالی که از آن قیام‌ها می‌گذرد، به‌ویژه در مصر، بیانگر بهبود شرایط نیست. این گزارش به پیامدهای این وضعیت در آینده پرداخته و می‌گوید: «استمرار این وضعیت و نادیده‌گرفتن صدای جوانان و انکارکردن به تغییرات صوری با پرانکند، واقعیت آنها را تغییر نمی‌دهد بلکه آنها را بیش از پیش در جامعه‌شان منزوی می‌کند و به سستی می‌برد که از یک نیروی مولد و سازنده به یک نیروی ویرانگر تبدیل می‌شوند. نیرویی که به بی‌ثباتی کشور کمک می‌کند. آن‌گاه امنیت انسان‌ها در چنین شرایطی به اشکال گوناگون در معرض تهدید قرار می‌گیرد.

♦ ♦ ♦

این گزارش در پایان خلاصه‌وار می‌گوید: «بی‌توجهی به جوانان، کل منطقه خاورمیانه را فراگرفته است. این بی‌توجهی به اشکال گوناگون خود را نشان می‌دهد و هر روز بر وخامت آن افزوده می‌شود. برای همین است که اکثر جوانان با درگیر منازعات هستند یا به صورت آوارگانی در داخل یا آوارگانی در خارج به سر می‌برند که در حال فرار از خشونت و ناامنی‌اند

♦

مهاجرت به هر بهایی

یکی دیگر از پیامدهای این مسئله مهاجرت به هر بهایی است. در اثر وخامت اوضاع اقتصادی و اجتماعی در برخی از کشورهای عرب، شاهد مهاجرت گسترده جوانان هستیم. به‌خصوص جوانانی که دارای مهارت‌های حرفه‌ای یا تحصیلی بالا هستند؛ مسئله‌ای که بیشتر به عقب‌ماندگی اقتصادی و اجتماعی کشورشان کمک می‌کند. تداوم عقب‌ماندگی کشورهای عربی از پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیک یکی دیگر از پیامدهای این وضعیت است. در دهه نخست این قرن کشورهای عرب بالاترین میزان مهاجرت‌ها را داشتند. مطالعات متعدد نشان می‌دهد کسانی که تلاش می‌کنند مهاجرت کنند، روز به روز بر تعدادشان افزوده می‌شود. هرکس توانست به صورت قانونی و رسمی مهاجرت می‌کند و هرکس نتوانست، به صورت غیرقانونی با به‌خطرانداختن زندگی‌اش دست به مهاجرت می‌زند. سال ۲۰۱۵ را باید یکی از مهلک‌ترین سال‌ها برای مهاجران عرب دانست. بسیاری از جوانان عرب تلاش کردند از طریق دریای مدیترانه خود را به اروپا برسانند. در ماه آوریل آن سال بیش از ۵۰۰ مهاجر جان خود را از دست دادند. این ۳۰۰ برابر کسانی است که در سال ۲۰۱۴ جان خود را از دست داده بودند.

این گزارش درعین‌حال می‌گوید کشورهای عرب فرصت خوبی برای افزایش تولید داخلی خود به میزان ۷۶۰ میلیارد دلار در مجموع هفت سال دارند. به شرط اینکه یک اتحاد گمرکی به وجود آورده و رفت‌وآمدها را تسهیل کنند. در این گزارش یک بار دیگر آمارهای تکان دهنده‌ای درباره مشارکت جوانان در فعالیت‌های داوطلبانه مدنی ارائه شده و آن را حداکثر ۹ درصد می‌داند که به نسبت معدل جهانی بسیار پایین بوده و در رتبه آخر قرار می‌گیرد. به‌گونه‌ای که حتی جوانان صحرای آفریقا با وجود منازعات و فقر و فلاکت به‌لحاظ مشارکت داوطلبانه در جوانان کشورهای عرب برتری دارند و این برتری به ۱۴ درصد می‌رسد. این امر بیانگر فقدان اعتماد و بی‌مالتی جوانان در دنیای عرب است.



ترجمه: محمدعلی عسگری

گزارش توسعه انسانی جهان عرب در سال ۲۰۱۶ از سوی سازمان ملل متحد منتشر شده است. در این گزارش به دولت‌های عرب درباره انفجار خشم و ناراضیاتی جوانان هشدار داده شده است. هفته‌نامه آمریکایی اکونومیست این گزارش را «هولناک» توصیف می‌کند. این گزارش در ۲۴۵ صفحه منتشر شده است که بخش‌هایی از آن را اینجا به نقل از پایگاه اینترنتی الوسط می‌خوانید: طبق آنچه در این گزارش آمده، گفته شده است جنبش‌های اعتراضی عربی با توجه به تحولات کشورهای شمال آفریقا هر پنج سال یک بار اتفاق می‌افتد. ازاین‌رو، سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۱ ما شاهد این اعتراضات بودیم که هر بار با شدتی بیشتر از گذشته روی می‌داد. طبق برآورد بانک جهانی تعداد ساکنان کشورهای عربی که ۲۲ دولت را تشکیل می‌دهند، در سال ۲۰۱۵ بالغ بر ۳۹۲ میلیون نفر بوده است. تعداد جوانانی که بین ۱۵ تا ۲۹ سال دارند حدود ۱۰۵ میلیون نفر می‌شود که ۳۰ درصد از کل جمعیت را دربر می‌گیرد. تعداد افراد کمتر از ۱۵ سال نیز حدود ۳۰ درصد از کل جمعیت را تشکیل می‌دهند. به‌این‌ترتیب، می‌توان گفت حدود ۶۰ درصد از ساکنان کشورهای یادشده زیر ۳۰ سال هستند. این گزارش می‌افزاید: جوانان قدرتی کوبنده و تعیین‌کننده دارند که نمی‌توان آن را نادیده گرفت یا به آن بی‌توجه بود؛ زیرا می‌تواند پیامدهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی زیادی را به همراه داشته باشد. این قدرت کوبنده به‌درستی هدایت نمی‌شود و نسبت به سال ۲۰۱۱ در همه جوانب دچار عقب‌گرد شده است. به نظر می‌رسد دولت‌های عرب از قیام‌های جوانان در سال ۲۰۱۱ به اندازه کافی درس نگرفته‌اند؛ در آن سال، جوانان برای همین خواسته‌های خود بود که قیام کردند. احمد منادی که اردنی تبار است و ۳۲ سال دارد، می‌گوید: «ما در وضعیتی به مراتب بدتر از دوره بهار عربی هستیم». فرصت‌های شغلی مناسب برای جوانان وجود ندارد و این نخستین دغدغه‌ای است که ذهن بیشتر آنها را به خود مشغول کرده است.

معضل اشتغال

گزارش سازمان ملل درباره وضعیت شرایط کاری در این منطقه می‌گوید: به‌ندرت فرصت‌های شغلی مناسب برای جوانان یافت می‌شود. دلیل آن نیز ضعف تولید و فقدان رقابت‌های اقتصادی در بیشتر کشورهای عرب است. همچنین وجود سیاست‌ها و قوانین مربوط به بازار کار، مانع خلاقیت و ایجاد شغل‌های مناسب جوانان می‌شود و اجازه نمی‌دهد آنها تمکن اقتصادی لازم را پیدا کنند. گزارش همچنین بر یک زخم چرکین دیگر انگشت می‌گذارد و می‌گوید این مسئله با گسترش «واسطه‌گری» بدتر شده است؛ زیرا فقط به جوانان خانواده‌های منتف شغل داده می‌شود. این به معنای نقض اشتکار اصل عدالت اجتماعی و اصل شایسته‌سالاری است که برای یک روند تولید اقتصادی سالم، ضرورت دارد. گزارش سازمان ملل نخستین گزارشی نیست که درباره پدیده واسطه‌گری و رانت‌خواری گسترده در جهان عرب صحبت می‌کند. در گزارشی که بانک جهانی در ماه جولای سال ۲۰۱۴ منتشر کرد، آمده بود: بیشتر شهروندان کشورهای خاورمیانه بر این باورند که داشتن یک «واسطه» برای دست‌یافتن به شغل در بخش‌های دولتی، لازم است. بر اساس گزارش بانک جهانی، گسترش فساد و رانت‌خواری در سطحی وسیع در کشورهای عرب موجب شده تا اقتصاد این کشورها آسیب ببیند. این مسئله بخش خصوصی را به‌شدت تضعیف کرده و موجب سوءمدیریت در بخش‌های دولتی شده است.

گزارش سازمان ملل درباره کاهش مشارکت جوانان در جریان تولید توضیح می‌دهد و می‌گوید: حضور جوانان در بخش‌های تولید به‌شدت رو به کاهش است. طبق این گزارش، فقط ۲۴ درصد از نیروی تولید را جوانان تشکیل می‌دهند. زنان در این میان ۱۸ درصد نقش دارند که پایین‌ترین میزان در مقایسه با مناطق دیگر جهان است. بی‌کاری در این کشورها به نسبت سایر نقاط جهان در بالاترین سطح قرار دارد؛ این بی‌کاری اکنون به ۳۰ درصد می‌رسد؛ حال آنکه میزان جهانی آن فقط ۱۳ درصد است. در سال ۲۰۱۴ میزان بی‌کاری جوانان منطقه خاورمیانه دو برابر سطح متوسط جهانی بود. این منطقه در یک دهه گذشته نیاز به ایجاد بیش از ۶۰ میلیون شغل جدید داشت تا بتواند تعداد زیاد جوانان جویای کار را جذب کند.

این گزارش درباره مشکلات بهداشتی جوانان نیز می‌گوید: آنان در معرض مشکلات بهداشت روانی و جسمی متعددی قرار دارند. گفته می‌شود بیماری‌های روانی و شرایط طاقت‌فرسای روحی و جسمی به‌ویژه یکی از نتایج اصلی آن است. ازاین‌رو، بیشتر جوانان احساس می‌کنند بهترین سال‌های عمرشان را بیهوده تلف می‌کنند. به بیان گزارش سازمان ملل، حالت‌های سرخوردگی اکثر جوانان عرب را فرا گرفته است. این مسئله به‌ویژه در دولت‌هایی که شاهد بحران‌های اقتصادی هستند، بیشتر به چشم می‌خورد. این گزارش می‌افزاید: «جوانان به آینده نگرانی‌های عمیقی دارند و احساس تبعیض و بی‌توجهی در اعماق وجود آنها رسوخ کرده است. پیش بزرگی از آنها به‌درستی آموزش ندیده‌اند یا شرایط بهداشتی مناسبی ندارند. آنها نمی‌توانند از زندگی بهره‌ای ببرند و در سیاست‌ها مؤثر بر زندگی‌شان اثری از انعکاس خواسته‌هایشان نمی‌بینند. این مسئله به طور مشخص برای جوانان بسیار بغرنج شده است.